

خط بطلان دیگری بر نظریه های احمد کسروی

محمدصادق نائبی

احمد کسروی که به تحریف و خیانت در تاریخ ترکان ایران مشهور است، در یکی از کتابهای خود (۱) (تحریفات خود) با مغلطه و سفسطه خواننده را به این ناکجاآباد می رساند که اثبات کند: «شیخ صفی الدین اردبیلی ترک نبود فارس بود، شیعه نبود سنی بود، سید نبود شیخ بود».

در رد این هجوئیات از کتاب ارزشمند و گرانسنگ «قارا مجموعه» (۲) منسوب به شیخ صفی کمک می گیریم که قسمتی توسط شیخ صفی نگاشته شده و قسمتی توسط مریدان وی؛ و خود بهترین و بی واسطه ترین حجت برای رد این نظریه است. کشف متون قارا مجموعه پس از ۷۰۰ سال که به جرأت آنرا بزرگترین رخداد بین المللی ادبیات در دهه اخیر می توان نامید، حاصل تلاش و تحقیق ۴۰ ساله استاد دکتر محمدزاده صدیق بوده است. حال سه تئوری مذکور را مستقلاً بررسی کرده و از خود شیخ صفی در رد آنها یاری می طلبیم:

• شیخ صفی ترک نبود فارس بود

قارا مجموعه با متون والای عرفانی - اخلاقی به زبان ترکی به عنوان گنجینه ادبیات ترکی به خودی خود ترک بودن شیخ را اثبات می کند. ولی ممکن است این تحریف صورت بگیرد که قارامجموعه نقل قول از شیخ است و خود شیخ به فارسی صحبت کرده است! اما مثلها و متلهای اصیل ترکی موجود در متون قارا مجموعه را صرفاً شخص ترک می تواند در جای مناسب خود بیاورد و برای کسی که ترک شده این امکان وجود ندارد. مثلاً:

• اگری اوتور دوز دانش

از طرفی یکی از مریدان در قسمتی از صحبتهای ترکی شیخ تأکید می کند که ترکی بیان کند. بدین مفهوم که دور از بحثهای پیچیده عرفانی باشد: «تورکو سؤیله کیم [آشنیدن] آنلا سین» (ص ۱۳۰).

• شیخ صفی شیعه نبود سنی بود

شاید روز را با شب اشتباه گرفتن معقولتر و مقبولتر از این باشد که شیخ صفی را سنی بپذیریم. هیچ رساله ای نیست که شیخ در آن مستقیم یا غیر مستقیم بر پیروی و تبعیت از ۱۲ معصوم (ع) تأکید ننماید و این تأکید در زمانی که ایران

آنروز یکپارچه سنی بود و خون شیعه حلال بود نشان از عشق وافر شیخ به آستان معصومین (ع) دارد. آن شیخ به کرات به مریدان خود تبعیت از امامان معصوم (ع) را سفارش می کند و لحظه ای غفلت از آنها را دوری از آستان آنها می داند. برای نمونه فقط چند مورد از سه رساله اوّل را شاهد می آوریم:

رساله «البیوروق» با دعای «... و افضل الصلوات و اکمل التحیات علی رسوله المختار الامین و آله و اولاده اجمعین...» (ص ۵۷) شروع می گردد و در متن رساله می فرماید: «و اهل بیت رسولون دوشمانلارینا تبرئی ائدیپ ، محمد و علی دوستلارینا تولئی ائیله یه» (ص ۶۵)

در رساله «یول اهلینه قیلاووز» در ابتدای رساله و پس از تعریف و شناساندن خلیفه از آدم تا خاتم (ص) ادامه می دهند: «رسولون قائیم مقامی و هم وصی سی حضرت علی بن ابی طالب دیر و اون بیر اولادی [هم] چنان خلیفه دیر» (ص ۸۵) و یا در جای در تعریف تولئی می فرمایند: «تولئی اولدور کیم اهل بیت رسولا محبت ائدیپ آل و اولادینا جان و کؤنولدن و درون دلدن اون ایکی اماما تابع اولماقدیر» (ص ۸۹).

در رساله «مزکی النفوس» هم زیارت ائمه (ع) بدون وضو را بی ادبی می داند: «اولیاء ایلاهی آبدست سیز زیارت ائتمک بی ادب لیکدیر» (ص ۱۱۴).

• شیخ صفی سید نبود شیخ بود

در ابتدای رساله البیوروق پس از شرح چگونگی وصیت کردن حضرت پیامبر (ص) بر امام علی (ع) هنگام رحلتشان و دستور حضرتش به کتابت آن توسط امام علی (ع) آمده است: «تا کیم سلسله - سلسله اولاد رسولدان بو وصیتنامه شیخ الدین حضرتلرینه ایریشدی قدّس الله سرّه العزیز اوخویوب اونونلا عمل قیلدی» (ص ۵۹).

این رساله به دستور شیخ صدرالدین فرزند ارشد شیخ صفی نگاشته شده است و این بهترین دلیل است که شیخ بزرگوار از اولاد پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است.

Email: snaebi@yahoo.com